

طرح خاورمیانه بزرگ از دیدگاهی کاملاً آمریکایی

مشارکتی نوین

برای خاورمیانه بزرگ*

ریچارد. جی. لوگار

برگردان: افسانه احدی

نوشتار - با این همه - با هدف تبیین برنامه‌های آمریکا (به ویژه آنجا که پیشنهادهایی را مطرح می‌سازد)، رویکردی مهمی را روشن می‌سازد.

مقدمه

از پایان جنگ جهانی دوم، امنیت ملی آمریکا بر پایه چهار اصل قرار دارد: اول ارزشهای دموکراتیک و نهاد آزادی، دوم توان نظامی، سوم اتحاد با دیگر کشورها و توانایی برای همکاری

*. نوشتار حاضر برگردان مقاله زیر است:

Richard G. Lugar, **A New Partnership for the Greater Middle East: Combating Terrorism, Building Peace**, 2004. www.brooking.org/comm/events/20040329lugar.htm

درآمد

ریچارد. جی. لوگار در نوشتار حاضر کوشیده است از منظری کاملاً آمریکایی به تفسیر طرح خاورمیانه بزرگ بپردازد. او در این تفسیر می‌کوشد ضمن توجیهی عقلانی از طرح آمریکایی خاور میانه بزرگ، اهداف امپریالیستی ایالات متحده را نادیده انگاشته و از موضع صلح دوستی و تحکیم‌کننده امنیت و توسعه جهانی، طرح خاورمیانه بزرگ را تزیین نماید. نویسنده کوشیده اغراض منفعت‌گرایانه و سلطه‌جویانه آمریکا را نادیده انگاشته و به ویژه از کنار رفتارهای ضد دموکراتیک و ضد انسانی آمریکا در دو دهه اخیر در منطقه به آسانی بگذرد. این

با جامعه بین‌المللی و نهایتاً چهارم استفاده روشنفکرانه از قدرت سخت‌افزاری و نرم‌افزاری شامل دیپلماسی، کمکهای اقتصادی و تجارت که می‌تواند با ارتقاء روابط دوستانه از آمریکا در برابر دشمنان حفاظت کند.

برای برخورد با تهدیدات اتحاد جماهیر شوروی، سابق ما توان نظامی خود را حفظ کردیم و ناتو را ایجاد نمودیم. اما ما کارهای دیگری نیز انجام دادیم. ما طرح مارشال را برای کمک به بازسازی اروپا آغاز کردیم و به ایجاد سازمان ملل، مؤسسات برتون وودز (بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول) و سازمان تجارت جهانی پرداختیم. هدف اصلی ما ارتقاء همکاریهای بین‌المللی بود که به گسترش ارزشهای دموکراتیک، احترام به حقوق بشر و مبارزه با فقر کمک کند. با گذشت زمان، ما سازمانها و مکانیزمهای بیشتری ایجاد کردیم که شامل معاهدات دفاعی دو جانبه، بانکهای توسعه منطقه‌ای، فرآیند هلسینکی و برنامه کاهش تهدید جمعی نان-لوگار می‌شد.

امروزه ما در غرب با یک چالش عمده روبه‌رو هستیم. این چالش، تهدید سلاحهای کشتار جمعی، تروریسم، بی‌ثباتی و دولت‌های شکست‌خورده است که تا حد زیادی از سازمانهای افراطگرا در خاورمیانه نشأت می‌گیرد. ایدئولوژی تروریستی در آنها ایجاد شده و اکنون به صورت جهانی در آمده است.

این منطقه مهم‌ترین منبع تهدید تمدن مدرن در قرن بیست و یکم است و در این زمینه رابطه مستقیمی بین تروریسم و سلاحهای کشتار جمعی وجود دارد. ما باید امنیت و ثبات را در این منطقه پهن‌آور اما در دسرزا ارتقاء دهیم. منطقه‌ای که رشد فزاینده جمعیت، افراطگرایی مذهبی، دولت‌های مستبد، انزوای رکود اقتصادی و جنگ، استعداد مردم و ثروت منابع طبیعی‌اش را از بین برده است.

۱- منافع مشترک

این مسئله چالشی برای همه مادر جهان توسعه یافته است. بی‌ثباتی، فقر و بی‌کاری باعث سیل فزاینده مهاجران به اروپا شده است. از طرف دیگر منازعه اسرائیل و فلسطینیان باعث ناآرامی و اختلاف بین مسلمانان اروپا است. این منازعه‌ی دیرپا برای بعضی دلیل و بهانه‌ای برای تحریک احساسات ضدآمریکایی و ضد غربی در جهان عرب به شمار می‌رود. پاسخ به قتل شیخ یاسین رهبر حماس توسط اسرائیل نمونه‌ی خوبی بر این مسئله است که چگونه چنین حوادثی بر سراسر منطقه اثر می‌گذارد و می‌تواند پیش درآمدی برای حادثه بزرگی باشد که می‌تواند به وجود آید، در صورتی که ما نتوانیم به موج خشونت‌ها پایان دهیم. از طرف دیگر در سال انتخابات [در آمریکا] نمی‌توانیم در جستجوی صلح باشیم.

۲- عراق و آن سوی آن

در حالی که نمی‌توانیم از انعکاس حمله نظامی آمریکا به عراق چشم‌پوشی کنیم، باید توجه‌مان به آینده باشد. کشورهای اروپایی و آسیایی دقیقاً همان منافی را دارند که آمریکا در ایجاد یک عراق دموکراتیک در نظر داشت. تحقق چنین مسئله‌ای می‌تواند تغییر مثبتی در سراسر منطقه باشد، منطقه‌ای که در آن میلیون‌ها نفر از ناامیدی و فقر رنج می‌برند. این مسئله باعث شده تا بعضی از جوانان به تروریسم روی بیاورند تا یأس خود را به وسیله‌ی حمله به دیگران نشان دهند. تا حد زیادی، بعضی دیگر نیز تمایل به انجام مأموریت‌های انتحاری دارند.

اما اگر ما با قدرت از شهروندان عراقی و افغانی که در پی ایجاد یک دولت موفق، آزادی و توسعه اقتصادی هستند، حمایت کنیم، موفقیت آنها در دست یافتن به این مزایا می‌تواند میلیون‌ها نفری را که گرفتار ناامیدی هستند، تشویق کند. به علاوه، اگر ما به حل منازعه اسرائیل - فلسطینیها کمک کنیم، امیدهای سیاسی تازه‌ای در سراسر منطقه ایجاد می‌شود و امکان جدیدی برای تحقق اصلاحات اقتصادی به وجود می‌آید. ما باید حل این منازعه را جزء اساسی استراتژی بزرگمان بدانیم و نه به عنوان جزء فرعی آن. از طرف دیگر باید ساختارهای جدیدی را برای ورود کشورهای عربی میانه رو به روند صلح در نظر بگیریم.

طرح در بوته نقد

طرح خاورمیانه بزرگ

پایانی بر یک آغاز نادرست

مارینا آتوی

توماس کاروترز

مقدمه

با مطرح شدن طرح ابتکار خاورمیانه بزرگ در اجلاس سران گروه هشت، مقام‌های آمریکایی اذعان می‌کنند که آمریکا همراه با کشورهای اروپایی و کشورهای منطقه خاورمیانه بزرگ (شامل نه تنها کشورهای جهان عرب بلکه کشورهای افغانستان، ایران، اسرائیل، پاکستان و ترکیه) درباره مجموعه وسیعی از تعهدات به تبادل نظر می‌پردازد که به دگرگونی‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در خاورمیانه کمک کند. از طرف دیگر این ابتکار به عنوان مکمل حیاتی و دوراندیشانه برای مبارزه با تروریسم در نظر گرفته شد. اگر چه این ابتکار هنوز در حال بررسی است، طرح کلی آن روشن شده و به خاطر تلاش‌های آمریکا متن اصلی طرح برای اجلاس سران گروه هشت آماده شده است. بیشتر این طرح بر اساس مواردی است که در گزارش توسعه انسانی اعراب در سال ۲۰۰۲ ارائه شده است. این طرح به سه دسته اصلاحات توجه خاص دارد که عبارتند از: ارتقاء دموکراسی و دولت کارآمد، ایجاد جامعه‌ای برپایه دانش، و گسترش فرصت‌های اقتصادی. نکته اصلی در قالب این سه نیز ارتقاء حقوق و توانایی زنان

←

* نوشتار حاضر برگردان مقاله زیر است:

Marina Ottaway and Thomas Carothers, **The Greater Middle East Initiative: off to a False Start**, 2004. www.ceip.org/files/pdf/policybrief29.pdf